



University of Tehran

Philosophy of Religion

Online ISSN: 2423-6233

Home Page: <https://jpht.ut.ac.ir>

The Analytical Examination of Faith From the Viewpoint of Robert Audi

Fatemeh Hassanzadeh¹ | Zahra Khazaei^{2*} | Reza Akbari³

1. Department of Islamic Theology, Faculty of Theology, University of Qom, Qom, Iran. Email: F.Hassanzadeh@stu.qom.ac.ir
2. Corresponding Author, Department of Islamic Philosophy and Theology, Faculty of Theology, University of Qom, Qom, Iran. Email: z-khazaei@gmail.ac.ir
3. Department of Islamic Philosophy and Theology, Faculty of Theology, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. Email: r.akbari@isu.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received October 9, 2022
Revised January 28, 2023
Accepted January 28, 2023

Keywords:
Faith,
Trust,
Audi,
Propositional faith,
Non-doxastic propositional faith,
Belief.

ABSTRACT

In an effort to investigate the nature of faith, Robert Audi, the famous contemporary philosopher, discusses various types of faith that are internally interrelated and whose common component is the entailment of cognitive propositions. In addition to accepting the various types of faith, he sets the propositional, attitudinal, and universal faith as the basis and takes faith as a positive attitude to the truthfulness of religious propositions that is accompanied by the tendency to believe in the propositions, one that brings about action. Moreover, he puts emphasis on the non-doxastic propositional faith in which faith is not necessarily belief, but rather, it is only the potential for belief and in fact is a type of trust in religious propositions. For Audi, faith – with all of its components – agrees with his intended rationality. In his epistemic system, faith has a very important role in the justification of religious beliefs. In fact, religious obligations – such as belief, faith, and act – justify belief in God if they are rational. The present study analyzes the nature of faith from the viewpoint of Audi; examines its relationship with belief, rationality, and action; and finally evaluates it. Audi's view to the nature of faith faces some problems, especially the non-doxastic propositional faith to which he attaches great importance and by which he justifies to a great deal the religious belief, such that it be not confirmed by the divine religions and believers in a religion, though it is a way to consider people whose views are not at the belief level as faithful.

Cite this article: Hassanzadeh, F. ; Khazaei, Z. ; Akbari, R.(2023). An analytical study of Faith from the Perspective of Audi. *Philosophy of Religion*.19 (4), 443-457. Doi: 10.22059/jpht.2023.349684.1005929



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jpht.2023.349684.1005929>



دانشگاه تهران

نشریه فلسفه دین

شاپا الکترونیکی: ۶۲۳۳-۲۴۲۳

سایت نشریه: <https://jpht.ut.ac.ir>

بررسی تحلیلی ایمان از منظر روبرت آتودی

فاطمه حسن زاده^۱ | زهرا خزاعی^{۲*} | رضا اکبری^۳

۱. گروه کلام اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: F.Hassanzadeh@stu.qom.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: z-khzaei@gmail.com

۳. گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران. رایانامه: r.akbari@isu.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۱۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۱/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۰۹

کلیدواژه:

اعتماد،

ایمان گزاره‌ای،

ایمان،

آتودی،

باور،

غیراعتقادی.

روبرت آتودی فیلسوف برجسته معاصر، برای بررسی ماهیت ایمان، انواعی از ایمان را بیان می‌کند که از جنبه درونی به هم وابسته‌اند و مؤلفه اصلی همه آنها گزاره‌های شناختی است. او ضمن پذیرش انواع ایمان، ایمان گزاره‌ای، نگرشی و جهانی را مبنا قرار می‌دهد و ایمان را نوعی نگرش مثبت نسبت به صدق گزاره‌های دینی می‌داند که با تمایل به باور نسبت به گزاره‌ها همراه است و عمل را در پی دارد. او همچنین بر ایمان گزاره‌ای غیراعتقادی تأکید می‌کند که در آن ایمان، لزوماً مستلزم باور نیست؛ بلکه تنها استعداد باور کردن را دارد و در واقع نوعی اعتماد به گزاره‌های دینی است. ایمان از منظر آتودی در همه مؤلفه‌های خود با عقلانیت موردنظر او همخوانی دارد. ایمان در دستگاه معرفتی آتودی، برای توجیه باورهای دینی نقش بسیار مهمی دارد. در واقع، تعهدات دینی شامل باور، ایمان و عمل، در صورتی که عقلانی باشند، سبب موجه بودن باور به خداوند می‌شوند. پژوهش حاضر، ماهیت ایمان را از نظر آتودی تحلیل می‌کند، رابطه آن با باور، عقلانیت و عمل را بررسی می‌کند و در نهایت، به ارزیابی آن می‌پردازد. دیدگاه آتودی درباره ماهیت ایمان با ایراداتی مواجه است، به‌ویژه ایمان گزاره‌ای غیراعتقادی که مورد توجه اوست و در توجیه باورهای دینی بسیار اهمیت دارد، به‌طوری‌که می‌تواند مورد تأیید ادیان الهی و مؤمنان یک دین نباشد؛ با این حال راهی است تا افرادی که اعتقادشان به درجه باور نرسیده است، با ایمان تلقی شوند.

استناد: حسن‌زاده، فاطمه؛ خزاعی، زهرا؛ اکبری، رضا (۱۴۰۱). «بررسی تحلیلی ایمان از منظر روبرت آتودی». *مجله علمی فلسفه دین*، ۱۹ (۴) ۴۴۳-۴۵۷.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jpht.2023.349684.1005929>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسندگان.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jpht.2023.349684.1005929>



۱. مقدمه

فیلسوفان دین درباره نقش ایمان و عقل در توجیه باورهای دینی مواضع مختلفی را برگزیده‌اند. قرینه‌گرایان باور به خداوند را باوری غیرپایه تلقی می‌کنند و با تأکید بر نقش عقل، توجیه آن را در گرو شواهد و دلایل عقلی می‌دانند. ایمان‌گرایان با تردید در کارآمدی عقل، پذیرش باورهای دینی بر پایه شواهد عقلی را موجه و معقول نمی‌دانند (اکبری، ۱۳۸۴: ۱۵۲) و از ضرورت ایمان برای پذیرش باور به خداوند می‌گویند. اینها شورمندی و ایمان را تنها راه موجه دانستن باورهای دینی قلمداد می‌کنند و معتقدند زندگی دینی و عمل به دستورهای خداوند، خود سبب افزایش ایمان و تقویت باورهای دینی می‌شود؛ کرکگارد و ویتگنشتاین از سردمداران این رویکرد محسوب می‌شوند.

گروه سوم با دفاع از قرینه‌گرایی اصلاح‌شده، نه عقلانیت باورهای دینی را رد می‌کنند، نه توجیه را از طریق ایمان میسر می‌دانند؛ بلکه با نگاهی متعادل، و در واکنش به انحصار عقلانیت در توجیه باورهای دینی، الهیات اصلاح‌شده را به‌عنوان رویکردی متفاوت از دو رویکرد پیشین مطرح می‌کنند. معتقدان به این رویکرد، در حالی عقلانیت باورها را می‌پذیرند که هیچ شاهد و دلیل عقلانی‌ای را به‌عنوان مبنای توجیه باورهای خود لازم نمی‌دانند و باور به وجود خداوند را نیز به‌عنوان باوری پایه لحاظ می‌کنند که به استدلال و قرینه نیاز ندارد. چنانکه پلانتینگا باور به خداوند را باوری پایه می‌داند که خود مبنای توجیه دیگر باورهای دینی است.

در این میان در فضای معرفت‌شناسی دینی معاصر، برخی فیلسوفانی نیز مفهومی نو از عقلانیت باور را روایت می‌کنند تا چالش‌های معقولیت باورهای دینی بر اساس قرینه‌گرایی را حل کنند. این معرفت‌شناسان قصد دارند یا با تکیه بر تفکر پست‌مدرنی و رد قطعیت موجود در مبنای‌گرایی سنتی، پذیرش عقلانیت باورهای دینی را خارج از دلیل‌گرایی مطرح کنند و یا با جایگزین کردن امری به‌جای باور مشکل را حل کنند (Audi, 2011: 4). نانسی مورفی، پلانتینگا، سوپین برن و آتودی جزء همین دسته محسوب می‌شوند که هر کدام با دیدگاه خاص خود درصددند تا عقلانیت باورها را به‌نحوی دیگر اثبات کنند. برای مثال به اعتقاد مورفی یک باور زمانی عقلانی است که شاهدهی درخور و متناسب با زمان خود داشته باشد یا پلانتینگا باور به خداوند را به لحاظ عقلانی قابل قبول می‌داند، صرف‌نظر از اینکه قطعیت عقلانی یا تجربی موجود در قرینه‌گرایی را بپذیریم یا خیر.^۱

آتودی نیز راه‌حل متفاوتی را بیان می‌کند و برای گذر از مشکلات قرینه‌گرایی، مسیر جدیدی را هموار می‌کند. او توجیه باور را از انحصار عقلانیت نظری خارج می‌کند و عقلانیت عملی را که شامل عقلانیت عمل، قصد و انگیزه‌های فرد می‌شود، شرط لازم برای توجیه باور به خداوند می‌داند و با توجه به اهمیت نقش زندگی دینی در توجیه گزاره‌های دینی، لازم می‌داند که به‌جای تمرکز بر عقلانیت نظری باورهای دینی، تعهدات دینی^۲ را مورد توجه قرار دهیم. مراد وی از تعهدات دینی مجموعه التزاماتی است که بخش یا تمام آن دارای زمینه‌های دینی است (Audi, 2000: 118) و از سه مؤلفه باور، ایمان و عمل تشکیل شده است. در واقع او عقلانیت باورها را نه برای موجه بودن آنها کافی می‌داند و نه برای داشتن التزامات دینی، بلکه معتقد است فرد علاوه‌بر باورهای عاقلانه، باید دارای ایمان و اعمال عاقلانه نیز باشد (خزاعی، ۱۳۹۲: ۱۷۲). از این‌روست که وی از ضرورت عقلانیت نظری و عملی در توجیه باور به خدا می‌گوید و ایمان و عمل را شرط لازم برای این مهم می‌داند، در نتیجه ایمان در دستگاه معرفتی آتودی اهمیت ویژه‌ای می‌یابد.

آتودی در آثار متعددی از جمله عقلانیت و تعهدات دینی^(۵)، معماری عقل^(۶)، ایمان، باور و عقلانیت^(۷) و ساختار توجیه^(۸) از نقش ایمان و عقل در توجیه باورهای دینی می‌گوید. او در این راه از سویی توجیه را از عقلانیت متمایز می‌داند و معیارهای آسان‌گیرانه‌تری برای عقلانیت در نظر می‌گیرد، از سوی دیگر ایمان را که مساوی با باور یا مستلزم آن دانسته می‌شد، نیز متمایز از آن می‌داند که قابل تقلیل به باور و یا لزوماً مستلزم آن نیست. در نتیجه از دیدگاه وی، نه ایمان مستلزم باور است نه باور مستلزم ایمان. در نهایت، وی به‌عنوان مبنای‌گرای معتدل، عقلانیت ایمان را جایگزین توجیه باورهای دینی می‌کند و بدین روش ایمان به گزاره‌های دینی را با عقل سازگار می‌داند. از این‌روست که بحث در خصوص ایمان و تحلیل ماهیت آن اهمیت بسزایی

۱. برای مطالعه بیشتر این تفاوت‌ها ر.ک: خزاعی، ۱۳۹۲.

می‌یابد و فهم نقش آن در توجیه باور دینی، ضرورت تحلیل معنا و تبیین ویژگی‌های آن و رابطه آن با عقلانیت و باور را ایجاد می‌کند. تحقیق حاضر که برای انجام چنین مهمی نگارش شده است، در ابتدا به توضیح اقسام ایمان از نظر آئودی می‌پردازد تا بتواند معنای ایمان موردنظر وی را مشخص کند و در ادامه به دیگر پرسش‌ها در این زمینه، از جمله ارتباطش با باور، عقلانیت و عمل پاسخ می‌دهد و در نهایت به برخی از ایرادات وارد بر نظریه وی اشاره می‌کند.

به لحاظ پیشینه تحقیق می‌توان تنها به مقاله آقای دری نوگورانی با عنوان «بررسی عقلانیت و ایمان از نگاه رابرت آئودی» اشاره کرد. ایشان در این مقاله به تبیین نوعی از ایمان؛ یعنی ایمان گزاره‌ای غیراعتقادی و سازگاری آن با عقلانیت از طریق مصالحه درونی پرداخته است؛ درحالی‌که پژوهش حاضر ماهیت ایمان، تمایز ایمان از باور و ارتباط ایمان با عمل را بررسی کرده است.

۲. اقسام ایمان از دیدگاه آئودی

اشاره شد آئودی برای موجه شدن باور به خداوند، از عقلانیت تعهدات دینی می‌گوید. مراد او از تعهدات دینی، مجموعه عناصری است که برای داشتن زندگی دینی به آنها نیاز دارد، یعنی باور، ایمان و عمل. با توجه به اهمیت ایمان در این دستگاه معرفتی و برای روشن شدن جایگاه ایمان در تعهدات دینی، ابتدا لازم است تعریف دقیقی از ماهیت ایمان را ارائه دهیم. البته آئودی تعریف واضحی از ایمان ارائه نمی‌دهد؛ بلکه با ذکر گونه‌هایی از ایمان^۱ و تعریف هریک، به شرح دیدگاه خود می‌پردازد. ایشان در جامع‌ترین بیان خود از گونه‌های ایمان، آن را به هفت نوع تقسیم کرده است^۲ (Audi, 2011: 54; Audi, 2018: 410-411). در اینجا به بیان هریک می‌پردازیم و پس از آن مشخص می‌کنیم ایمان دینی کدام قسم را شامل می‌شود.

۱. ایمان گزاره‌ای^۳: در این نوع از ایمان، شخص به یک گزاره ایمان دارد و در قالب ایمان دارد که ... بیان می‌شود (Audi, 2011: 54). برای مثال آن شخص ایمان دارد که دوست بیمارش بهبود می‌یابد (93: 2008; Audi, 2011: 55). ایمان دارد که خداوند زندگی پس از مرگ را ممکن می‌سازد (Audi, 2018: 410). شخص دارای این نوع ایمان، در واقع دارای نگرش شناختی‌ای^۴ است که قابلیت صدق و کذب دارد و با تمایلات مثبتی نسبت به صدق گزاره همراه است. این تمایلات با امیالی مانند اطمینان داشتن^۵، امید داشتن^۶ یا پیش‌بینی کردن متفاوت است و در مرحله‌ای بالاتر از آن قرار دارد (Audi, 2011: 55; Audi, 2018: 93). به بیان دیگر، تمایلات مثبت نسبت به گزاره از مرحله اطمینان نیز فراتر می‌رود و نزدیک به باور است، اما مساوی با باور یا مستلزم آن نیست. آئودی این ویژگی را با مثالی تبیین می‌کند: شخصی را در نظر بگیرید که بدهی سنگینی دارد، دوستش با ایمان به این مسئله که آن شخص قادر به پرداخت بدهی‌اش است، تمام شرایط برای بازپرداخت بدهی را مثبت قلمداد می‌کند و ایمان دارد که دوستش بدهی‌اش را پرداخت می‌کند. اما دوست دیگری که به این گزاره ایمان ندارد، جوانب منفی آن را هم در نظر می‌گیرد و حتی تا جایی پیشروی می‌کند که به جوانب مثبت توجه چندانی ندارد. در واقع دوست دوم ایمان گزاره‌ای ندارد، بلکه فقط انتظار دارد یا پیش‌بینی می‌کند که دوستش بدهی‌اش را می‌پردازد (Audi, 2018: 412). بنابراین ایمان گزاره‌ای نگاه خوش‌بینانه به صدق گزاره است، به نحوی که گزاره از جنبه وثوق نزدیک به باور است، اما باور نیست، زیرا با درجانی از شک قابل جمع است (Audi, 2011: 55; 2008: 93).

۲. ایمان نگرشی^۸: ایمان نگرشی در شرایطی است که فرد بیان می‌کند به وجود^۹ یا ذات و نهادی^{۱۰} ایمان دارد. این نوع از

1. Varieties of faith

۲. آئودی در اولین نوشته‌های خود ایمان را به دو دسته ایمان گزاره‌ای و ایمان نگرشی تقسیم کرده است (Radcliffe, 1995: 73; Audi, 1991: 215). اما به مرور زمان در آثار بعدی خود ایمان غیراعتقادی و مقدماتی از ایمان پذیرنده و ایمان وفادارانه را مطرح کرد (Audi, 2003: 81-82; 2007: 241-244). ایشان اولین بار در کتاب تعهدات دینی و عقلانیت هفت نوع ایمان را به تفصیل بیان کرد.

3. propositional faith

4. Faith that

5. cognitive attitude

6. confidence

7. hope

8. attitudinal faith

9. being

10. entity

ایمان عینی - وصفی است (Audi, 2011: 54; Radcliffe, 1995: 80) و فرد ایمان خود را با «ایمان به ...» اظهار می‌کند. من به خدا ایمان دارم (Audi, 2011: 54; 2008: 92) ایمان به ... پیوند نزدیکی با باور به ... دارد. زمانی که می‌گوییم به خداوند ایمان (نگرشی) داریم، یعنی به خدا باور داریم (Audi, 2018: 410).

آتودی معتقد است ایمان داشتن به خداوند نشان‌دهنده آمادگی و استعداد برای ایجاد باورهای وجودی به گزاره‌های بسیاری در باب خداوند است (Audi, 2011: 56)، بنابراین با ایمان داشتن به خداوند، طبعاً به گزاره‌های مرتبط به خداوند نیز باور می‌یابیم. اما سؤال اصلی در ایمان نگرشی این است که ایمان داشتن به موضوعی، موجودیت آن موضوع را در پیش فرض خود دارد؟ برای مثال ایمان داشتن به خداوند، سبب نوعی اثبات وجود خداوند نیز می‌شود؟ در پاسخ باید گفت به صورت مشروط بله، در واقع صحبت از ایمان به خدا بدون باور به وجود خدا تعجب‌آور است. ایمان داشتن به خداوند، موجودیت خداوند را نیز در پیش فرض خود دارد؛ اما اگر این پیش فرض در تمایز با سایر نگرش‌های شناختی (دارای ارزش صدق) قرار گیرد، ضرورتی برای باور به وجود خدا و توجه به چنین پیش فرضی وجود ندارد (Audi, 2011: 56-57; 2007: 231).

۳. ایمان آیینی^۲: مراد از آیین، مجموعه‌ای از اصول و باورهای دینی^۳ است که در یک دین یا مذهب خاص وجود دارد و مراد از ایمان آیینی، ایمان به مجموعه‌ای از گزاره‌های دینی، یعنی اعتقادات و نگرش‌های معینی است که در یک دین مطرح است. بنابراین این نوع ایمان، متعلق به گروه خاصی نیست، بلکه هر دین و مذهبی می‌تواند از این نوع ایمان آرمانی برخوردار باشد و راهنمای زندگی انسان باشد (Audi, 2011: 58).

۴. ایمان جهانی^۴: در این نوع ایمان، انسان جزئی از جهان ایمان محسوب می‌شود که برخوردار از ایمان دینی است. ایمان جهانی، با نداشتن ایمان به صورت محض یا داشتن ایمانی خاص مطابق با آموزه‌ها و معیارهای مشخص، مخالف است. در واقع ایمان جهانی به منزله داشتن ایمان دینی به صورت کلی است؛ به نحوی که خدای موجود در این ایمان، با خدای هیچ دینی قابل تطبیق نیست و لزوماً نگاه به دین مشخصی ندارد؛ بلکه حالت کلی است که ابعاد مهم زندگی انسان را اداره می‌کند و در همه ادیان یهودی، مسیحی و اسلامی جاری است و حتی شامل افراد دارای ایمان، اما سکولار نیز می‌شود (Audi, 2018: 411; 2008: 93-94). شایان ذکر است ایمان جهانی و ایمان آیینی، دو وجه اشتراک دارند: هم هر دو دارای نوع خاصی از باور که عنصری شناختی است، هستند، هم هر دو به گونه‌ای متفاوت از دیگر اقسام، ارتباطی اند، یعنی شامل موجودی دیگر، در اینجا خداوند، می‌شوند (Audi, 2018: 410-411).

۵. ایمان گزاره‌ای اعتقادی^۵ یا باور بر پایه ایمان^۶: نمونه‌ای از ایمان گزاره‌ای است که «مستلزم باور داشتن به امری است که به آن ایمان داریم» (Audi, 2011: 59). مراد این است که فرد به مجموعه‌ای از گزاره‌هایی که ایمان دارد، باور نیز می‌یابد. این نوع ایمان یک قدم از ایمان گزاره‌ای فراتر می‌رود و شخص با ایمان اطمینانی نزدیک به یقین به گزاره‌ها می‌یابد. البته در این حالت نیز با وجود یقین، احتمال نفوذ شک در گزاره‌ها وجود دارد، زیرا فرد به متعلقات ایمان خود باور دارد (Audi, 2011: 61). باور در این نوع از ایمان به معنای باور داشتن بدون هیچ قید و شرطی به گزاره^۷ p (implicitly believing it) است (Audi, 1991a: 215; 2011: 69-70; Alston, 2007: 127).

۶. ایمان پذیرنده^۸: به ایمانی گفته می‌شود که بر مبنای آن، یک انسان به انسان دیگر یا یک گزاره ادعایی یا یک عمل پیشنهادی اعتماد می‌کند و آن را می‌پذیرد (Audi, 2011: 54). ایمان پذیرنده به صورت عامیانه همان پذیرش امور با حسن نیت است و نمونه‌ای از ایمان نگرشی است. مانند زمانی که از سر ایمان به شخص دیگری اعتماد می‌کنیم. آتودی مثالی واضح را بیان

1. Faith in
2. creedal faith
3. tenets
4. global faith
5. propositional doxastic faith
6. believing on faith

۷. آتودی میان باور و حالت روان شناختی که به راحتی با باور تلفیق می‌شود، تمایز قائل است و معتقد است هر ادراک یا اطلاعاتی را که وارد ذهن می‌شود، نمی‌توان باور نامید. بسیاری از اطلاعاتی که دریافت می‌کنیم، به سیستم اعتقادی ما وارد نمی‌شوند؛ در صورتی که آمادگی ورود به این سیستم را دارند (Audi, 2019: 1).

8. acceptant faith

می‌کند: اگر عذرخواهی شخصی را که با اخلاص و از روی حسن نیت پوزش خواسته، بپذیریم، بدین معناست که عذرخواهی شخص را با ایمان به اینکه عذرخواهی حقیقی است، پذیرفته‌ایم (Audi, 2008: 94; 2011: 62; 2018: 411). بنابراین این نوع از ایمان نسبت به اشخاص و اعمال و گزاره‌ها معنا می‌یابد و بر پایه رابطه حقیقی تشکیل می‌شود.

۷. ایمان صادق^۱ یا ایمان وفادارانه^۲: این نوع ایمان در قالب «مؤمن بودن به»^۳ بیان می‌شود و همان‌طور که از نامش پیداست، فرد با ایمان، به انجام دادن فعل یا عملی به نفع دیگری متعهد می‌شود. مصداق آن نیز ایمان به شخص یا عمل خاصی است؛ به همین دلیل به نوعی ارتباط خاص با افراد و موجودات دیگر نیاز دارد (Audi, 2008: 95; 2011: 62). این نوع ایمان عمدتاً رفتاری است و به ایمان نگرشی گرایش دارد (Audi, 2018: 411). روشن است که ایمان وفادارانه مستلزم وجود مخاطب و تعهد عملی و سرسپردگی به وی است.

تأکید آئودی بر ماهیت ایمان و توضیحات تفصیلی ایشان از آن‌روست تا نشان دهد - برخلاف دیدگاه غالب فیلسوفان دین که ایمان را همان باور و یا مستلزم آن می‌دانستند - ایمان دارای ویژگی‌های متمایزی از باور است و لزوماً مستلزم آن نیست. اگر بخواهیم تعریف دقیقی از ایمان مورد نظر او ارائه دهیم، شاید بتوان گفت ایمان، نگرشی مثبت نسبت به صدق گزاره‌های دینی است که با تمایل به باور نسبت به گزاره‌ها همراه است و پذیرش و عمل را در پی دارد. آنچه ایمان را مورد وثوق جلوه می‌دهد، حرمت^۴ و اعتمادی^۵ است که به واسطه ایمان به گزاره‌ها شکل می‌گیرد و بدین ترتیب حتی نیاز به توجیه باورهای دینی را برطرف می‌کند (Hazlett, 2013: 251).

۳. روابط میان انواع ایمان

آئودی معتقد است تمام انواع ایمان از جنبه درونی به هم وابسته‌اند و فهم تعهدات دینی در گرو آگاهی نسبت به همه آنهاست. او ایمان نگرشی را پایه ایمان‌های دیگر می‌داند و ایمان گزاره‌ای را ساده‌ترین مؤلفه قلمداد می‌کند که در ایمان نگرشی نقش اساسی دارد. او اعتقاد دارد با توسعه ایمان نگرشی به ایمان جهانی دست می‌یابیم و با تمرکز بر گزاره‌ها و ایمان گزاره‌ای تمایل به ایجاد ایمان وفادارانه و تعهد عملی به گزاره‌ها شکل می‌گیرد. در مرحله بعدی این ایمان با یک دین خاص متحد می‌شود و ایمان آیینی ظهور می‌یابد (Audi, 2018: 411). در نگاه او ایمان آیینی مجموعه‌ای از تمامی ایمان‌هاست. آئودی سه نوع ایمان گزاره‌ای، نگرشی و جهانی را جزء ایمان‌های مبنایی می‌داند (Audi, 2018: 411) که رابطه‌ای طولی میان آنها برقرار است؛ در ابتدای این زنجیره، ایمان گزاره‌ای قرار دارد که عنصری در ایمان نگرشی محسوب می‌شود؛ به نحوی که ایمان نگرشی مستلزم ایمان گزاره‌ای است؛ درحالی که عکس آن صحیح نیست. ایمان نگرشی مجموعه گسترده‌ای از اعمال، احساسات، نگرش‌ها و گزاره‌های وابسته به هم است و ویژگی‌های ارتباطی و رفتاری را در برمی‌گیرد. (Audi, 2008: 96; 2011: 63; 2018: 412) و به ایمان جهانی نزدیک می‌شود. ایمان جهانی نیز به عنوان غنی‌ترین نوع ایمان مستلزم ایمان نگرشی است و مؤمن به ایمان جهانی، دارای انواع نگرش‌ها با دامنه‌های وسیع است، اما عکس آن صحیح نیست؛ یعنی فردی که دارای ایمان نگرشی است، لزوماً دارای ایمان جهانی نیست (Audi, 2018: 412). در پایان سلسله نیز ایمان وفادارانه قرار دارد که برای تحقق، مستلزم ایمان جهانی است و صرفاً با ایمان نگرشی به خداوند متحقق نمی‌شود، زیرا ایمان نگرشی از جهت ساختار، سطحی‌تر از ایمان جهانی است و قابلیت ایجاد ایمان وفادارانه را ندارد (Audi, 2011: 65).

۴. رابطه ایمان و باور

همان‌گونه که اشاره شد و از توضیح انواع ایمان محرز می‌شود، آئودی ایمان را به معنای باور نمی‌داند؛ از این رو ممکن است فرد باور به چیزی داشته باشد، بدون آنکه به آن ایمان داشته باشد. یا ایمان به چیزی داشته باشد، بدون اینکه به آن باور داشته باشد.

1. allegiant faith
2. loyalty faith
3. faithfulness
4. reverence
5. trust

آتودی با تبیین نوع دیگری از ایمان^۱، یعنی ایمان گزاره‌ای غیراعتقادی^۲، در واقع استلزام دوم را نفی می‌کند؛ یعنی اینکه ایمان به چیزی مستلزم باور به آن باشد. ابتدا به تمایزاتی که وی بین باور و ایمان قائل شده می‌پردازیم، سپس مراد وی از ایمان گزاره‌ای غیراعتقادی را مشخص می‌کنیم.

۱.۴. تمایز باور و ایمان

آتودی چهار تمایز میان باور و ایمان قائل است:

الف) باور، یک امر ارزشی - صادق^۳ است. با توجه به این مسئله اگر شخصی به صدق p باور داشته باشد و بعد مشخص شود که p کاذب است؛ در واقع مشخص می‌شود که آن شخص در اشتباه بوده^۴ است؛ اما در مقابل اگر آن شخص به صدق P ایمان داشته باشد و p کاذب باشد، شرایط باور برای ایمان محقق نیست و فقط نشان‌دهنده این است که ایمان فرد، نابجا^۵ بوده است. برای مثال دانشجویی را تصور کنید که هرگز رساله خود را به پایان نمی‌رساند. ایمان من نسبت به تمام کردن رساله، نادرست بوده، اما این عدم موفقیت به این معنا نیست که من در اشتباه بودم. در مقابل همکار خوش‌بین من که صرفاً به تمام کردن رساله دانشجوی باور داشت، در اشتباه بوده است. کاذب بودن ایمان موجه و حتی ایمان گزاره‌ای ناموجه، دلیلی بر اشتباه عمل فرد نیست و حتی اگر نادرست باشد از بطلان باور موجه اهمیت کمتری دارد (Audi, 1991a: 217; 1995: 77; 2008: 98; 2011: 76-77).

ب) با فرض برابر بودن تمامی شرایط، اگر شخصی که به صدق p باور دارد، متوجه کذب آن شود، بسیار بیشتر نسبت به شخصی که دارای ایمان است (و کذب گزاره موردنظر را کشف می‌کند)، متعجب می‌شود. به هر اندازه که صدق p برای شخص اهمیت بیشتری داشته باشد، احتمال ناامیدی و اضطرابش در پی کشف عدم صدق p بیشتر خواهد بود (Audi, 1991a: 217; 1995: 77; 2008: 98; 2011: 76-77).

ج) داشتن ایمان قوی به اینکه گزاره p صادق است، به حذف شک به صدق گزاره p منجر می‌شود. در مقابل، باور ضعیف به صدق گزاره p، با درجات کمی از همان شک سازگار است. بنابراین ایمان به صدق p در مقایسه با باور به صدق p، با درجه بالاتری از شک کردن در صدق p سازگار و قابل جمع است؛ در واقع می‌توان گفت ایمان از لحاظ اطمینان در درجه پایین‌تری از باور قرار داشته و سازگاری بیشتری با شک دارد. به همین دلیل است که ایمان، تمرینی برای اراده محسوب می‌شود و انسان مؤمن باید همراه با نگرش‌های مثبت در موقعیت‌های دینی، همان‌گونه که خداوند می‌خواهد عمل کند (Audi, 1991a: 217; 1995: 78; 2008: 98; 2011: 77).

د) آخرین تمایز مربوط به رابطه ایمان و احساسات به‌ویژه ترس است. حضرت عیسی در بخش دوم عهد جدید مرقس ۴: ۴۰ به آنها که از توفان ترسیده‌اند می‌فرماید: چرا می‌ترسید؟ مگر ایمان ندارید؟ یعنی داشتن ایمان به از بین رفتن ترس، اضطراب، افسردگی و تمام احساسات منفی منجر می‌شود و نوعی اعتماد ایجاد می‌کند، درحالی‌که در باور چنین گرایشی وجود ندارد (Audi, 2011: 78).

۲.۴. دلایل تمایز باور و ایمان

آتودی برای اثبات این تمایز، یعنی اینکه هر ایمان گزاره‌ای ضرورتاً مستلزم باور نیست، دلایلی ذکر می‌کند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. این دلایل در واقع ویژگی‌های ایمان غیراعتقادی را نیز محرز می‌کند:

۱. این نوع ایمان، اولین بار توسط تنانت (Tennant) فیلسوف آمریکایی مطرح شد. تنانت ایمان را «در پیش گرفتن شیوه رفتاری می‌داند که توسط واقعیت‌های خارجی تضمین نشده است و به همین دلیل خطر ناامیدی و شکست در آن وجود دارد». او معتقد است ایمان تلاشی برای اراده کردن چیزی نیست؛ بلکه تلقی از امور امیدوارانه و غیبی است که در نهایت به آن عمل می‌کنیم. سوئینبرن از این دیدگاه به‌عنوان مدل «عمل‌گرایانه» یاد می‌کند و آلستون آن را معادل «پذیرش گزاره‌های دینی» می‌داند. در واقع این نوع از ایمان دارای تعهدات عملی و فراتر از شواهد است؛ درحالی‌که فرد نیازی ندارد به گزاره‌های دینی که صادق فرض شده‌اند، باور داشته باشد (Bishop, 2010: faith). آتودی به‌تفصیل و با بیان نکته نظرهای خود این نوع ایمان را تحلیل می‌کند.

2. non- doxastic faith
3. truth valued
4. mistaken
5. misplaced
6. exercise of will

۱. استعداد و آمادگی برای باور کردن با باورهای استعدادی متفاوت است. برای مثال ایمان به اینکه خداوند عاشق ماست، استعداد و آمادگی است برای باور به اینکه خدا عاشق ماست، یا ایمان به اینکه دوستی از بیماری سرطان نجات پیدا می‌کند، مستلزم استعدادی برای باور کردن آن گزاره است. استعداد برای باور کردن، خود باور نیست و حتی شامل باور هم نمی‌شود (Audi, 2008: 96; 2011: 70-71)، بلکه تنها آمادگی است که فرد را از ایمان به سمت باور سوق می‌دهد.

۲. به هر اندازه که به باور به گزاره p نزدیک‌تر شویم، سخن گفتن از ایمان به گزاره p غیرطبیعی‌تر جلوه می‌کند. سخن گفتن از ایمان به گزاره p بیشتر به معنای عدم اطمینان به گزاره موردنظر است و بدین معناست که واقعاً به آن گزاره باور نداریم. هرچند ممکن است در مسئله‌ای به همان میزان که ایمان داریم، باور نیز داشته باشیم؛ اما ایمان گزاره‌ای اغلب متضمن باور گزاره‌ای که بیان‌کننده محتوایش باشد، نیست (Audi, 2011: 71).

با توجه به دیدگاه آئودی، ایمان اغلب در مواردی مطرح می‌شود که باور بدون قید و شرط یا اطمینان صددرصدی در مسئله وجود ندارد. وی با تمایزی که بین باور به نقیض یک گزاره ($\sim p$) و عدم باور به یک گزاره (p) قائل می‌شود، می‌خواهد نشان دهد که ایمان به گزاره p لزوماً با باور به p قابل جمع نیست؛ به نحوی که ایمان به گزاره p مستلزم باور به p باشد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ایمان به گزاره p ضرورتاً مستلزم باور به گزاره p نیست و ایمان گزاره‌ای می‌تواند با غیاب احساس اطمینان در گزاره p قابل جمع باشد (Audi, 2008: 97).

آئودی با بیان این مقدمات نتیجه می‌گیرد که ایمان می‌تواند (نه اینکه ضروری باشد) با باور متمایز باشد و گزاره‌های دینی لزوماً متضمن باور نباشند. او این نوع از ایمان را ایمان گزاره‌ای غیراعتقادی یا ایمان اعتمادی^۱ می‌نامد. عنصر اصلی این نوع ایمان، اعتماد است، به نحوی که اگر به شخصی اعتماد ندارید، نمی‌توانید به او ایمان داشته باشید یا حداقل نمی‌توانید ایمان بی‌قید و شرط^۲ داشته باشید و ایمان شما از نوع مقطعی^۳ یا نسبی‌انگاره^۴ خواهد بود. ایمان اعتمادی با عبارت «من اعتماد دارم که»^۵ بیان می‌شود و مشروط به این است که موضوع موردنظر^۶ و زمینه، متناسب هم باشند. آئودی مقصود خود را با مثالی ذکر می‌کند. اعتماد به اینکه همکارم در مسئله‌ای خاص از من حمایت می‌کند، با اعتماد به اینکه سویچ ماشینم همراهم هست در یک سطح نیستند. موقعیت دوم تنها اعتماد شناختی است، درحالی که اولی مصداق ایمان گزاره‌ای غیراعتقادی است. (Audi, 2011: 72; 2008: 97). ایمان اعتمادی همان‌طور که از نامش مشخص است، ایمان به گزاره‌های دینی است که گرایش‌هایی به باور دارند؛ اما ضروری نیست که به باور منجر شوند. مفهوم اعتماد، نوعی خوش‌بینی و آرامش قلبی نسبت به صدق گزاره‌های دینی در قلب مؤمن ایجاد می‌کند، به نحوی که فرد از شک موجود دل‌نگرانی ندارد.

از مجموع عبارات آئودی می‌توان ویژگی‌های زیر را برای ایمان از سر اعتماد دریافت. دقت در این ویژگی‌ها نشان می‌دهد ایمان موردنظر آئودی که در موجه بودن باور دینی نقش اصلی را ایفا می‌کند، چیست.

۱. ایمان اعتمادی، امری شناختی و دارای متعلق گزاره‌ای است (Audi, 1991a: 225; Alston, 2007: 125).
۲. نگرش مثبتی نسبت به صدق گزاره p دارد (Audi, 1991a: 225).
۳. مستلزم استعداد برای باور به گزاره p است؛ درحالی که مستلزم باور نیست (Audi, 1991a: 215-216) و باور جزء سازنده آن نیست.

۴. مستلزم اعتقادی راسخ^۷ است. این ویژگی امری شناختی است، اما نیازی به باور ندارد. مانند اعتقاد راسخ به اینکه خداوند ما را دوست دارد یا اعتقاد به موجودیت خداوند؛ درحالی که او را نمی‌بینیم (Audi, 2011: 73; 1991a: 223).

۵. ایمان اعتمادی استوار^۸ است؛ اما با این حال، یقین و باور جزء مؤلفه‌هایش نیستند و برای صدق متعلق خود نیازی به یقین

1. fiducial faith
 2. simpliciter
 3. sectorial
 4. relativized
 5. I trust that
 6. subject matter
 7. conviction
 8. steadfast

ندارد. از طرفی شواهد مخالف^۱ نیز با ایمان اعتمادی به‌آسانی منطبق می‌شوند (Audi, 2011: 78-79).

۶. ایمان اعتمادی دارای نوعی سیالیت^۲ است. تصور کنید فردی اطمینان خود را نسبت به گزاره‌های ایمانی از دست بدهد و باورهای فاقد صلاحیت را نپذیرد. در واقع او دیگر فردی مذهبی تلقی نمی‌شود و ایمان اعتمادی، در اینجا اهمیت پیدا می‌کند. در چنین شرایطی ایمان اعتمادی به‌عنوان جایگاهی برای اصلاح و بازگشت^۳ وارد عمل می‌شود. هرچند ممکن است ایده‌آلی برای ایمان نباشد؛ اما جایگاهی است که بر مبنای آن، ایمان ایده‌آل شکل می‌گیرد و گسترش می‌یابد. ویژگی سیالیت ایمان سبب می‌شود که ایمان حتی پس از تحولات ذهنی فرد یا بعد از تجربه عدم اطمینان از گزاره‌های متناظر^۴ در فرد باقی بماند و قدرتش نیز با متغیرهایی چون احساسات، شواهد ادراکی^۵ یا حمایت‌های اجتماعی تغییر می‌یابد (Audi, 2011: 98-99). در واقع ایمان اعتمادی، استعدادی برای باور و مقدمه‌ای برای اطمینان و جایگاهی برای شکل‌گیری ایمان ایده‌آل است.

۷. اگر متعلق گزاره‌ای ما در ایمان اعتمادی، دینی باشد برای مذهبی دانستن فرد معتقد به آن، کافی است (Alston, 2007: 75).

۸. این نوع اعتماد مستلزم وجود متعلق (ابژه) نیست. بنابراین اعتماد فرد به اینکه خداوند را دوست دارد، متضمن وجود خداوند در خارج نیست (Alston, 2007: 77-78).

۹. ایمان اعتمادی، باور ضعیف نیست. باور ضعیف، باوری است که مستحکم نباشد؛ به نحوی که در برابر ادله مخالف از بین برود. درحالی‌که ایمان اعتمادی در مقابل دلایل و شواهد مخالف تسلیم نمی‌شود. ایمان اعتمادی خود می‌تواند ضعیف یا قوی باشد. ضعیف بودن ایمان به معنای عدم نیروی پشتیبانی‌کننده رفتار، احساسات و شناخت صاحب ایمان است و قوی بودن آن شک فرد نسبت به «عشق خداوند» و یا «خیرخواه بودن» او را از بین می‌برد (دری نوگورانی، ۱۳۹۵: ۳۳۵؛ Audi, 1991a: 223).

۱۰. ایمان اعتمادی، باور محتمل^۶ نیست. میزان آگاهی و اطمینان در باور محتمل از باور ضعیف بالاتر است، اما استواری در آن کم است و شواهد و ادله مخالف نیز باور را تضعیف می‌کند. همان‌طور که از نامش مشخص است، باور در آن با تردید مرددانه مطرح می‌شود (Audi, 2008: 98; 2011: 78).

۱۱. ایمان اعتمادی بر ایمان اعتقادی اولویت ندارد؛ بلکه هر دو نوع ایمان مکمل هم هستند. به دست آوردن ایمان اعتقادی یا یقین، ممکن است هدف اصلی فردی باشد که دارای ایمان اعتمادی است و به دست آوردن ایمان اعتمادی هدف کسی باشد که دارای امید دینی است (Audi, 2008: 98).

بدین ترتیب، آئودی ایمان اعتمادی را ایمانی گزاره‌ای می‌داند که بر پایه اعتماد به گزاره‌ها شکل می‌گیرد و آمادگی برای پذیرش باور را دارد، درحالی‌که مستلزم باور نیست و از آن متمایز است. ایمان اعتمادی در قوی‌ترین حالت خود دارای اطمینانی است که نزدیک به باور است.

۵. ایمان و عقلانیت

پرسش اساسی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا ایمانی که متمایز از باور است یا مستلزم آن نیست و گزاره‌های آن یقینی نیست، عقلانی است؟ با توجه به اینکه آئودی مراتب عقلانیت ایمان را متناسب با میزان و نوع معرفت حاصل از ایمان می‌داند، برای پاسخ به این پرسش لازم است ابتدا به سلسله‌مراتب معرفتی موردنظر وی اشاره و سپس معنای عقلانیت بیان شود. اگر مراتب معرفتی را به‌صورت سلسله‌ای در نظر بگیریم، پایین‌ترین درجه در این سلسله از لحاظ شناختی، امید است که حتی متضمن نگرش مطلوب و یا درجاتی از تمایل به باور نیست. با شک زیادی سازگاری دارد و احتمال نقض آن وجود دارد. امید از لحاظ اطمینان در رتبه پایین‌تری از اعتماد قرار دارد و ایمان تا جایی با شک موجود در امید همراهی می‌کند که اعتماد به وضعیت مطلوب امور^۷ از بین نرود (Audi, 2011: 75). دومین مرحله، اعتماد است که با شک افراطی همراهی نمی‌کند و با نگرش‌های

1. counter evidences
2. fluidity
3. retreat
4. relevant proposition
5. perceived evidence
6. tentative belief
7. the desired state of affairs

مثبتی که تنها دارای امید هستند و به سمت باور گرایش ندارند نیز شکل نمی‌گیرد (Audi, 2011: 85). این مرحله زمانی به وجود می‌آید که شخص به گزاره‌های ایمانی خود (با اینکه به باور نمی‌رسند) اطمینان داشته باشد. با توجه به اینکه گزاره‌های ایمانی از طریق منابع معرفتی همچون ادراک حسی، حافظه، خودآگاهی، شهادت دیگران و وجود شواهد و تجارب و همچنین استفاده از قوه عاقله به وجود می‌آیند، احتمال نقضشان ضعیف است و اطمینان از همین طریق حاصل می‌شود.^۱ مرحله آخر، باور است که در بالاترین سطح از اطمینان قرار دارد، هیچ شکي در آن نیست، زیرا با استدلال همراه است (2008: 99; 2011: 85-86)؛ یقین در این مرحله حاصل می‌شود. آئودی برای تبیین بیشتر این سلسله دانشجویی ضعیف را مثال می‌زند که در حال نوشتن رساله است. این نگرانی برای استاد راهنمای او وجود دارد که آیا این شخص رساله خود را به پایان می‌رساند؟ اگر به موفقیت دانشجو اعتماد داشته باشد، دیگر جایی برای امیدواری باقی نمی‌ماند؛ در واقع امید در رتبه‌ای پایین‌تر از اعتماد قرار دارد. حال سؤال است که آیا استاد در صورت اعتماد به دانشجو باید به او باور هم داشته باشد؟ آیا باید همکارانش را که از سطح تحصیلی دانشجویش مطلع‌اند، وادار به اعتماد و یا باور به موفقیت او بکند و شواهد موجود را متضمن موفقیت فرد بداند؟ پاسخ منفی است. در واقع جایگاه باور با اعتماد متفاوت است و هر ایمان اعتمادی متضمن باور نیست. درست است که نگرش شناختی که به آن اعتماد داریم، باید به اندازه‌ای قوی باشد که استادان دیگر برای حمایت دانشجوی مذکور اقتناع شوند. برای مثال به مدت یک سال وی را تحت بورسیه قرار دهند؛ اما نگرش قوی لزوماً به معنای باور به موفقیت دانشجو در به پایان رساندن رساله‌اش نیست (Audi, 2011: 75-76)، زیرا همچنان میزانی از دل‌نگرانی و شک برای عدم موفقیت دانشجو وجود دارد.

آئودی عقلانیت ایمان را نیز به همین صورت دارای معانی یا مراتب مختلف می‌داند. او به‌طور کلی معتقد است عقلانیت به معنای هماهنگی و سازگاری با عقل^۲ است و به مجموعه باورها و اعمالی اشاره دارد که به‌طور معمول از اشخاص بزرگسال معقول سر می‌زند و موافق با عقل سلیم است (Audi, 2011: 17). محدوده این عقلانیت از سازگاری حداقلی با عقل تا هماهنگی حداکثری با دلیل و برهان – که آن را معقولیت^۳ می‌نامد – گسترده شده است (Audi, 2011: 17; Frances, 2013: 7;32). با توجه به محدوده وسیعی که آئودی از عقلانیت ارائه می‌دهد، می‌توان گفت هر آنچه غیرعقلانی یا در مقابل عقلانیت سلیم نباشد، در واقع عقلانی است. بدین ترتیب امید، ایمان و باور هر سه در دایره عقلانیت قرار می‌گیرند و به تناسب میزان اطمینانی که در گزاره‌هایشان وجود دارد، از عقلانیت برخوردار می‌شوند. عقلانیت امید از حداقل‌ترین میزان عقلانیت برخوردار می‌شود؛ به‌نحوی که مستلزم عقلانیت ایمان اعتمادی نیست. عقلانیت ایمان اعتمادی در مرحله میانی قرار دارد که گزاره‌های آن موافق و سازگار با عقل هستند، اما به سبب جایگاه خود مستلزم عقلانیت ایمان اعتقادی (باور) نیست. عقلانیت ایمان اعتقادی نیز در بالاترین سطح، دارای عقلانیت حداکثری است که با استدلال همراه است و یقین را در پی دارد (2008: 99; 2011: 85-86)، بنابراین معیار عقلانیت در هر سطح متناسب با همان سطح است. معیار عقلانیت ایمان با عقلانیت امید و باور متفاوت است.

آئودی به سبب اهمیت عقلانیت ایمان اعتمادی سعی دارد، از طریق استدلال زیر به صورت جداگانه به ارزیابی عقلانیت این نوع ایمان نیز بپردازد.

از جنبه معرفتی، ایمان اعتمادی به صدق p در صورت وجود استدلال متضاد و در مقایسه با ایمان اعتقادی دارای مقاومت بیشتری است. این مسئله یک مزیت محسوب می‌شود، زیرا ایمان اعتمادی فرد با هر استدلال متضادی از بین نمی‌رود. به هر اندازه که شناخت با درجه بالاتری از اطمینان صورت پذیرد، شواهد متضاد و شک‌گرایی نیز تهدید بزرگ‌تری برای صدق آن گزاره محسوب می‌شوند. از سویی امید، ایمان و باور با توجه به سلسله‌مراتب خود، دارای احتمال صدق هستند؛ به‌نحوی که احتمال صدق در باور بیشتر از ایمان و در ایمان بیشتر از امید است. عقلانیت باور بدین معناست که باور به صدق p محتمل‌تر از باور به $\neg p$ است و این درجه از احتمال زمینه را برای توجیه فراهم می‌کند. در ایمان اعتمادی نیز با توجه به اینکه درجه احتمال بیشتر از ۵۰ درصد است؛ عقلانیت تحقق می‌یابد؛ اما از آن حیث که به تناسب ویژگی‌های خود از پذیرش زمینه‌هایی که گزاره را

۱. برای کسب اطلاعات بیشتر ر.ک: Audi, Robert (2003). Epistemology: a contemporary introduction to the theory of knowledge, 2th edition, NEW YORK.

2. Consonance with reason
3. Reasonableness

محتمل‌تر می‌کند معذور است، موجه نمی‌شود. از جنبه ارادی نیز با توجه به اینکه ایمان اعتمادی مستلزم باور نیست، التزام ارادی نسبت به متعلقات گزاره‌ها ندارد؛ اما دارای استعداد قوی عقلانی است و متضمن اراده برای انجام عمل به شیوه‌ای مشخص و دارای نگرش‌های مثبت قوی است که اجازه شور و اشتیاق و تعهد معنوی را به متعلقات خود می‌دهد (Audi, 2008: 99-100; 86-88: 2011). بنابراین ایمان اعتمادی نیز عقلانی است و با عقلانیت موردنظر آئودی همخوانی و سازگاری دارد. البته شایان ذکر است معیارهای عقلانیت ایمان اعتمادی از باور آسان‌گیرانه‌تر و میزان ابطال آن نیز سخت‌تر است، زیرا این نوع ایمان با وجود شک سازگارتر است.

۶. متعلق ایمان

آئودی با توجه به انواع ایمان، متعلق ایمان را از سنخ گزاره می‌داند. گزاره‌های دینی به دو گروه تقسیم می‌شوند. گروه اول، گزاره‌هایی است که از سنخ باورند؛ مانند گزاره‌های موجود در ایمان اعتقادی و ایمان نگرشی و گروه دوم، گزاره‌هایی است که از سنخ باور نیستند و لزوماً مستلزم باور هم نیستند؛ مانند گزاره‌های موجود در ایمان غیراعتقادی و ایمان پذیرنده که از سنخ اعتمادند یا ایمان وفادارانه که از سنخ عمل در برابر مخاطب خاص هستند. در واقع با توجه به دیدگاه آئودی معتقدان به گروه دوم، دارای ایمان گزاره‌ای غیر باورمند^۱ هستند. گزاره‌هایی مانند «خداوند برای آینده بشر طرح و برنامه دارد»، «خداوند برای زندگی ما مشیتی مقدر کرده است» یا اینکه «فردی به نجات دوستش از بیماری سرطان صرف‌نظر از باورمندی و غیر باورمندی، ایمان دارد» (Audi, 2011: 53-54; 2008: 90 & 92). روشن است که متعلق ایمان، گزاره‌های دینی‌اند؛ اما آئودی تأکید بیشتری به متعلقات گروه دوم دارد.

۷. عمل و ایمان

با جست‌وجو در معنای التزامات دینی، پس از بعد شناختی (باور و ایمان) با ابعاد نگرشی و ارادی^۲ تعهدات دینی روبه‌رو می‌شویم (Audi, 2012: 3). در این ابعاد فرد به انجام اعمال و مناسکی می‌پردازد که به گزاره‌های آن باور و یا ایمان دارد و در واقع بعد شناختی به منصف ظهور رفتاری می‌رسد (Audi, 1991: 232).

همان‌گونه که فاعل برای انجام هر عملی از باور شروع می‌کند و پس از طی مراحل، از جمله شوق و قصد به عمل می‌رسد در اینجا هم زمانی که گزاره‌های دینی مورد وثوق قرار می‌گیرند، شوقی در قلب فرد صورت می‌پذیرد و سبب ایجاد میل در او می‌شود. این میل غالب^۳ – که همان‌طور که از نامش مشخص است نسبت به امیال متضاد، برجسته‌تر و قوی‌تر است – فرد را به سمت نیت یا قصد^۴ برای انجام اعمال سوق می‌دهد. نیت نیز اراده را در فرد ایجاد می‌کند (Audi, 2018: 417). با توجه به اینکه نیت دارای عناصر انگیزشی و شناختی است، عامل ایجاد اراده در فرد، برای انجام عمل مشخص، در زمان مشخص است (Audi, 1991b: 362). آئودی در تبیین رابطه میان اراده و نیت به دیدگاه کانت اشاره می‌کند و می‌گوید «اراده شخص، شبیه به سازه‌ای است که از نیت او ساخته شده است. اگر نیت خیر باشد، اراده نیز خیر^۵ خواهد بود» (Audi, 2018: 417)، بنابراین نیات و مقاصد، با اراده برای انجام اعمال رابطه مستقیم دارند و سبب ایجاد آن می‌شوند. ایمان نیز در همین مرحله محقق می‌شود؛ بدین ترتیب که «به صورت گسترده‌ای حاصل شکل‌گیری اراده است» (Audi, 2018: 418). گزاره‌های دینی هر گاه به مرحله اراده برسند، ایمان به نحو کامل ظهور می‌یابد و در مرحله بعد عمل شکل می‌گیرد. عمل خارج از ارکان ایمان است و پس از تحقق آن صورت می‌پذیرد.

آئودی رابطه میان ایمان و عمل را با مثالی بیان می‌کند. تصور کنید برای درمان بیماری خود به پزشکی که به کارش ایمان دارم مراجعه می‌کنم. اگر او از من برای درمان قطعی بیماریم کمک بخواهد، همان ایمان، انگیزه اصلی و منبع قدرتی می‌شود تا

1. nonbelief-entailing
2. volitional
3. predominate desire
4. intention
5. good will

در خود تردید راه ندهم و برای کمک به درمان اراده کنم و در این راه از هر تلاشی فروگذار نکنم (Audi, 2018: 418). ایمان من به پزشکم مرا به سمت عمل به خواسته‌های او سوق می‌دهد و اراده و تلاشم به آن تعلق می‌گیرد. البته باید توجه داشت تمام گزاره‌های مورد اعتماد ما لزوماً به عمل منجر نمی‌شوند. اگر یکی از عوامل مطرح شده حذف شود، برای مثال انگیزه کافی وجود نداشته باشد، اراده فرد ضعیف باشد و یا مسیر رسیدن به فعل اشتباه طی شود، فعل مورد نظر به وقوع نمی‌پیوندد (Audi, 2011: 91). مطالبی که وی در اینجا در خصوص ایمان و عمل دینی مطرح می‌کند، همان بحث‌های رایج در رابطه با عمل است و اینکه چه عواملی به ضعف اراده و ترک عمل منجر می‌شود و چه عواملی فرد را برمی‌انگیزاند تا عمل را انجام دهد، اما آنچه اینجا اهمیت دارد و شایسته بررسی و دقت بیشتر است، این است که با توجه به معانی مختلفی که از ایمان مطرح کرد، به‌ویژه ایمانی که مستلزم باور نیست، چگونه این مراحل به‌درستی رخ می‌دهد.

۸. ارزیابی دیدگاه آئودی درباره ماهیت ایمان

دیدگاه معرفت‌شناسی دینی آئودی از جهات مختلفی قابل نقد است؛ اما با توجه به اینکه در این پژوهش تمرکز روی ماهیت ایمان بوده است، سعی می‌کنیم نقدها نیز بیشتر ناظر بر همین رویکرد باشد و در صورت لزوم به دیگر ایرادات دیدگاه وی اشاره خواهیم کرد. شایان ذکر است برخی از این ایرادات جنبه صوری دارد و بعضی به محتوای این اقسام وارد است.

۱. اولین ایراد به دسته‌بندی آئودی از ایمان وارد است. ظاهراً وی هیچ معیار مشخصی برای این دسته‌بندی در نظر ندارد، بنابراین مشاهده می‌کنیم که اقسام ایمان هم از حیث گستره، هم متعلق، هم مراتب معرفتی که ایجاد می‌کند، در این دسته‌بندی قرار دارد. بنابراین برخی از اقسامی که بیان می‌کند لزوماً نوعی از ایمان نیستند، مانند ایمان آیینی و ایمان جهانی. علاوه بر این، او می‌توانست به‌طور منظم‌تری این دسته‌بندی را انجام دهد، برای مثال او ایمان گزاره‌ای اعتقادی را با اینکه یکی از اقسام ایمان گزاره‌ای است، به‌عنوان نوع جدیدی از ایمان معرفی کرده و ایمان گزاره‌ای غیراعتقادی که قسم دیگر آن است به‌صورت جداگانه ذکر کرده است. شاید بهتر بود ایشان ایمان را به شش نوع تقسیم می‌کرد که ایمان گزاره‌ای خود به دو نوع ایمان اعتقادی و غیراعتقادی تقسیم می‌شد.

۲. آئودی در مواقعی که تعداد آن کم هم نبوده، قصد استفاده از کلمه ایمان اعتقادی را داشته؛ اما از کلمه ایمان گزاره‌ای برای بیان دیدگاه خود استفاده کرده است که به گفته تالیافرو خواننده را در فهم مطلب به اشتباه می‌اندازد (Taliaferro & Ortner, 2013: 252).

۳. باورمندی موجود در ایمان اعتقادی، این شبهه را به ذهن متبادر می‌کند که این نوع ایمان، لزوماً نیازمند شواهد^۱ قوی است و ارتباط تنگاتنگی میان ایمان اعتقادی و شواهد برقرار است. آئودی در پاسخ، به‌صراحت لزوم شواهد در ایمان را نفی می‌کند و معتقد است، داشتن ایمان اعتقادی متضمن وجود شواهد نیست و بدون پشتیبانی آن نیز محقق می‌شود؛ به‌عبارت دیگر ایمان نتیجه شواهد نیست، بلکه معیار باورمندی، میزان اطمینان به گزاره‌هاست. ایمان اعتقادی در بالاترین سطح از اطمینان قرار دارد و حاصل آن یقین به گزاره‌هاست (Audi, 2007: 242-243; 2008: 94; 2011: 59-61). شایان توجه است که در دیدگاه آئودی، شخص مؤمن لازم نیست به عدم وجود شواهد باور داشته باشد (Audi, 2008: 94; 2011: 59-60)، اما اگر قرار باشد فرد بدون وجود شواهد، به وجود خداوند ایمان از سر یقین داشته باشد، شایسته اهمیت تجربه دینی را در نظر آئودی تقویت می‌کند که خودش جای بحث بسیار دارد. البته آئودی این نوع تجربه را در توجیه باور دینی رد نمی‌کند؛ اما پذیرش آن نیز خودش پیامدهایی دارد که فعلاً از آن صرف‌نظر می‌کنیم.

۴. اصلی‌ترین انتقاد به دیدگاه آئودی به ایمان گزاره‌ای غیراعتقادی ایشان تعلق می‌گیرد. اساساً تحقق ایمانی که مستلزم باور نیست و از سویی باور ضعیف شده و باور محتمل هم نیست؛ اما مستلزم استعدادی برای باور داشتن و دارای اعتقادی راسخ است، تا چه اندازه میسر است؟ ایمانی که استوار است؛ اما برای صدق متعلق خود نیازی به یقین ندارد، با معرفت سازگار نیست؛ اما با مبانی و استدلال‌های آن سازگار است. درک چنین ایمانی و تشخیص و تمایز آن با باور دشوار است.

رادکلیف نیز در تحلیل دیدگاه آئودی، استدلالاتی وی را برای امکان این نوع ایمان دینی کافی نمی‌داند (Radcliff, 1995: 74) و معتقد است در ایمان غیراعتقادی، ارتباط شخصی با خداوند که لازمهٔ ایمان مسیحی است وجود ندارد؛ زیرا اصلاً باور به موجودیت خداوند وجود ندارد. بنابراین این نوع ایمان فاصلهٔ زیادی با ایمان سنتی دارد و از نگاه مسیحیان افرادی را که تنها به ایمان مذکور معتقدند، نمی‌توان مؤمن به ایمان مسیحیت دانست؛ در واقع این افراد تنها در مسیر حرکت به سمت ایمان‌اند، نه مؤمن به آن (Radcliff, 1995: 74, 84-85). نقد رادکلیف را می‌توان به شکلی دیگر نیز بیان کرد. اینکه آیا ایمان غیراعتقادی مورد تأیید ادیان است؟ آیا اعتماد به گزاره‌های دینی سبب اقتناع مؤمنان میشود؟ آیا این نوع ایمان فرد را به توفیقات دینی و سعادت می‌رساند؟

آئودی اصولاً در آثارش به انتقاداتی که علیه نظرهایش مطرح می‌شود می‌پردازد و به آنها پاسخ می‌دهد. با توجه به اینکه اشکال اخیر مهم‌ترین ایراد وارد بر نظر آئودی است، وی در پاسخ‌ها بیشتر به همین مسئله پرداخته است.

وی دیدگاه ایمان غیراعتقادی را در واقع واکنشی به انحصارگرایی ایمان سنتی می‌داند که ایمان را مساوی با باور یقینی می‌داند. آئودی مدعی ایده‌آل بودن ایمان غیراعتقادی نیست و می‌پذیرد که بخش اعظمی از متون مقدس و گزاره‌های دینی منوط به ایمان اعتقادی می‌شود؛ اما معتقد است ایمان غیراعتقادی و مؤمنان به آن، استحقاق حضور در دایرهٔ ایمان را دارند (Audi, 2011: 80). مشخصهٔ دیدگاه وی در اینجا که ضعف دیدگاه او هم است، این است که از نظر او افراد معتقد به هر نوع دین و تفکری اگر دارای ایمان غیراعتقادی باشند، مؤمن تلقی می‌شوند. بنابراین تفسیر او از این نوع ایمان، ویژهٔ ایمان دینی خاصی نیست؛ بلکه دیدگاه تکثرگرایانهٔ وی در اینجا خودش را به خوبی نشان می‌دهد.

همان‌طور که بیان شد معیار عقلانیت ایمان با باور متفاوت است و ایمان غیراعتقادی در هیچ جنبه‌ای ضدعقلانی نیست و می‌توان گزارهٔ دینی ناشی از آن را قابل اعتماد و تصدیق دانست. آئودی با در نظر گرفتن تعریف حداقلی برای عقلانیت، مصالحه‌ای میان عقل و ایمان برقرار می‌کند. این ایمان غیراعتقادی با موجودیت گزاره‌های دینی به‌خصوص وجود خداوند در تضاد نیست؛ بلکه بر عدم لزوم تأکید می‌کند؛ بدین معنا که لزوماً مستلزم باور به وجود خداوند نیست، هرچند ممکن است به آن منجر شود. با این حال وی همین باور را عقلانی یا بهتر بگوییم معقول می‌داند، به این دلیل که خود فرد به آن باور دارد.

آئودی در دفاع از خودش اشاره می‌کند که ایمان اعتقادی و غیراعتقادی مکمل هم هستند، به نحوی که یکی بر دیگری برتری ندارد^۱ (Audi, 2011: 79) و هر دو سبب تقویت یکدیگر می‌شوند. از سویی ایمان اعتقادی با انواع ایمان‌های دیگر در ارتباط است و پشتوانه‌ای برای ایمان غیراعتقادی محسوب می‌شود و از سوی دیگر ایمان غیراعتقادی در شرایطی از دست رفتن باور، سبب بازیابی ایمان و اطمینان می‌شود (Audi, 2011: 98-99).

بنابراین آئودی قصد ندارد ایمان غیراعتقادی را به‌عنوان مطلوب‌ترین نوع ایمان که فرد را به سعادت می‌رساند، معرفی کند؛ بلکه ایمان غیراعتقادی راهی است تا افرادی که اعتقاداتشان به درجه باور نرسیده است، با ایمان تلقی شوند. در واقع آئودی، دایرهٔ ایمان را گسترده‌تر در نظر گرفته است.

آلستون نیز ایمان غیراعتقادی آئودی را مورد انتقاد قرار می‌دهد. او دیدگاه آئودی را مبنی بر وجود گزاره‌های دینی با نگرشی مثبت که متمایز از باورند، تأیید می‌کند؛ اما توضیحات وی را برای فهم ماهیت این نوع ایمان کافی نمی‌داند و معتقد است نزدیک‌ترین کاندید که می‌توان آن را به عنوان جایگزینی برای فهم ایمان غیراعتقادی در نظر گرفت، مفهوم پذیرش^۲ است (Alston, 2007: 138). پذیرش در دیدگاه آلستون به معنای قبول کردن^۳، یک فعالیت ذهنی داوطلبانه^۴ و ارادی^۵ است که دارای نگرشی مثبت نسبت به گزاره‌هاست و در عین حال مستلزم باور نیست (Alston, 2007: 138; Audi, 2008: 90; 2011: 81).

۱. آئودی در آثار اخیر خود این دیدگاه متعادل را مطرح کرده است. ایشان در آثار گذشته، ایمان غیراعتقادی را برای دینی دانستن فرد کافی می‌دانست. همین مسئله نیز مورد انتقاد رادکلیف قرار گرفت (Alston, 2007: 125) به نقل از (Audi, 1993, the dimensions of faith and the demands of reason, Cornell university press)

2. acceptance
3. adoption
4. voluntarily
5. will

اما آئودی با دیدگاه آلتستون مخالف است. او پذیرش را به دو نوع رفتاری و شناختی تقسیم می‌کند و توضیح می‌دهد «زمانی که فرد با گزاره‌ای الهیاتی روبه‌رو می‌شود، ابتدا آن را بررسی می‌کند و طی فرایندی ذهنی و ارادی آن را می‌پذیرد. عمل پذیرش ذهنی را «پذیرش رفتاری»^۱ می‌نامیم که مستلزم باور نیست و حالت پذیرشی که نتیجه این عمل ارادی است، «پذیرش شناختی»^۲ نامیده می‌شود که مستلزم باور است» (دری نوگورانی، ۱۳۹۵: ۳۵۰؛ ۸۱-۸۲؛ ۲۰۱۱: ۹۰-۹۱؛ ۲۰۰۸: ۹۰-۹۱).
 بی‌شک ما می‌توانیم به نحوی ارادی تمایلاتی در خود، برای انجام عملی ایجاد کنیم و به واسطه همین امر، فرضیه خاصی را بپذیریم؛ در واقع می‌توانیم به صورت اختیاری گزاره‌ای را که زمینه‌ساز بروز عملی است، قبول کنیم. اما سؤال اصلی اینجاست که آیا می‌توانیم به همین نحو وارد حوزه پذیرش شناختی شویم؟ پاسخ آئودی منفی است. پذیرش شناختی نتیجه امر ارادی است؛ اما خود به نحوی غیرارادی صورت می‌گیرد. زمانی که بستر پذیرش گزاره‌ها و مقدمات آن به نحوی ارادی محقق شد و پذیرش رفتاری صورت گرفت، ناگزیر پذیرش شناختی به عنوان نتیجه آن محقق خواهد شد^۳ (Audi, 2008: 90-91; 2011: 81-82). در واقع گویا آلتستون تنها پذیرش نوع اول را در نظر گرفته است و از نوع دوم که مستلزم باور است و با ایمان غیراعتقادی فاصله دارد، غافل شده است. همان‌طور که گفتیم آئودی نزدیک‌ترین مفهوم به ایمان غیراعتقادی را ایمان اعتمادی معرفی می‌کند.

۹. نتیجه

همان‌گونه که بیان شد آئودی برای توجیه باورهای دینی از عقلانیت تعهدات دینی، باور، ایمان و عمل می‌گوید. در دستگاه معرفتی وی، ایمان نقش اصلی را برای موجه بودن باور ایفا می‌کند. در پژوهش حاضر سعی شد با تبیین ماهیت ایمان موردنظر آئودی و ارتباط آن با دو مؤلفه دیگر (باور و عمل) به محتوای دیدگاه او دست یابیم.
 مشاهده کردیم آئودی تعریفی واحد از ایمان ارائه نمی‌دهد، بلکه انواعی از ایمان را مطرح می‌کند که مؤلفه اصلی تمام آنها گزاره است و به صورت زنجیروار به هم متصل و وابسته‌اند تا ایمان آیینی را که در یک دین ظهور می‌کند، نشان دهند. با مطالعه انواع ایمان و روابط میان آنها می‌توانیم ایمان را نوعی نگرش مثبت یا خوش‌بینی نسبت به صدق گزاره‌های دینی بدانیم که با تمایل به باور نسبت به گزاره‌ها همراه است و پذیرش و عمل را نیز در پی دارد. ایشان در واکنش به نگاه سنتی به ایمان، که آن را مساوی با باور می‌دانست، نوع دیگری از ایمان را طرح می‌کند که در آن گزاره‌های دینی لزوماً مستلزم باور نیستند؛ بلکه تنها استعداد باور کردن را دارند. ایمان در این نوع که آن را ایمان اعتمادی می‌نامد، بر پایه اعتماد به گزاره‌هاست. ایشان در سلسله‌مراتب معرفتی، از اعتماد به یک گزاره که با وجود شک همراه است تا باور به گزاره‌ای را که یقینی است، در دایره ایمان می‌داند و معتقد است اگر عقلانیت را سازگاری و هماهنگی با عقل معنا کنیم، تمامی این گزاره‌ها عقلانی‌اند. آئودی با طرح ایمان اعتمادی و معیار سهل‌گیرانه‌تر برای عقلانیت، در پی نفی باور در گزاره‌های دینی نیست؛ بلکه تنها درصدد است راهی نو با میزان ابطال‌پذیری کمتر برای افراد فراهم سازد و محدوده مؤمنان به گزاره‌های دینی را گسترش دهد. بی‌گمان این نوع ایمان خالی از اشکال نیست و ممکن است مورد تأیید ادیان الهی و مؤمنان یک دین نباشد؛ اما حداقل فرد را به سمت ایمان دینی سوق می‌دهد.

1. behavioral acceptance

2. cognitive acceptance

۳. آئودی پاسخ‌های دیگری نیز در برابر این نقد مطرح می‌کند که برای پرهیز از تطویل به آن نمی‌پردازیم (Audi, 2011: 83-85).

منابع

۱. اکبری، رضا (۱۳۸۴). ایمان‌گروی (نظریات کرکگور، ویتگنشتاین و پلانتینگا). ج اول، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲. خزاعی، زهرا (۱۳۹۱). عقلانیت باور یا التزام، همایش بین‌المللی فلسفه دین معاصر، ۲ (۲)، ۱۶۴-۱۷۶.
۳. دری نوگورانی، علیرضا (۱۳۹۵). بررسی عقلانیت و ایمان از نگاه رابرت آتودی. پژوهش‌های فلسفی، ۱۰ (۱۸)، ۳۳۹-۳۵۸.
4. Akbari, R. (2005). *Beliefism (Theories of Kierkegaard, Wittgenstein and Plantinga)*. Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture publishing. (in persian)
5. Alston, W. (2007). *Audi on nondoxastic faith*. in *Rationality and the Good critical essays on the ethics and epistemology of Robert Audi*, 1th edition, New york, *Oxford University press*.
6. Audi, R. (1991). A, Faith, belief and rationality. *Philosophical perspectives*, (5), 213-239.
7. Audi, R. (1991). B, Intention, cognitive commitment. and planning, *springer*, 86 (2): 361-378.
8. Audi, R. (2000). *Religious commitment and secular reason*. 1th edition, United states of America, Cambridge university press.
9. Audi, R. (2007). Justifying grounds, justified belief, and rational acceptance. in *Rationality and the Good critical essays on the ethics and epistemology of Robert Audi*, 1th edition, NEW YORK, Oxford University press.
10. Audi, R. (2003). *The theology of faith and the ethics of love: a philosophical perspective*. in *religion in der modern*, ed. Reiner berndt, Wurzburg, Germany, etcher. (استفاده از این منبع به نقل از Alston, 2007 بوده است)
11. Audi, R. (2008). Belief, faith and acceptance. *International journal of philosophy of religion*, (63): 87-102.
12. Audi, R. (2011). *Rationality and religious commitment*. 1th edition, New york, Oxford University press.
13. Audi, R., & Caruana, L. (2012). Rationality and religious commitment: an inquiry into faith and reason. *The Heythrop journal*, university of London, 54 (2), 309-315
14. Audi, R. (2018). Faith, belief and will: toward a volitional stance, university Of Notre dame.
15. Audi, R. (2019). Doxastic: belief and the information- responsiveness of mind. *episteme*, Cambridge university press.
16. Bishop, J. (2010). *Faith*. the Stanford encyclopedia of philosophy, Edward N. Zalta (ed), <http://plato.stanford.edu/entries/faith/>.
17. Frances, B. (2013). Robert Audi, Rationality and religious commitment. oxford university press.
18. Dori N. A. (2016). Investigating rationality and faith from the perspective of Robert Audi. *Philosophical Researches*, 10 (18), 329-358. (in persian)
19. Hazlett, A. (2013). *Rationality and religious commitment by Robert Audi*, mind association, university of Edinburg.
20. Khazaei, Z. (2012). The rationality of belief or commitment. *international conference on philosophy of contemporary religion*, 164-176. (in persian)
21. Radcliff, D. (1995). Non- doxastic faith: Audi on religious commitment. *International journal for Philosophy of religion*, (37), 73-86.
22. Taliaferro, Ch., & Ortner, J. (2013). Rationality and religious commitment by Audi, Robert. *journal of religion*, 93 (2), 249-252.